

مقدمه

این مقاله حاصل پژوهشی علمی و میدانی است و در حد توان تلاش شده است تا به بیان دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری چنین سینمایی در ترکیه پرداخته شود.

قبل از ورود به موضوع اصلی که همان بررسی سریالهای ترک است، لازم دانستیم برای فهم بهتر و روشنتر آن، توضیحاتی کوتاه راجع به پیشینه سیاسی، فرهنگی، دینی و اجتماعی ترکیه و دلایل زمینه‌ساز آن که حاصلش، سینمایی با این مختصات در ترکیه شده است، خدمت شما ارائه شود.

سرمداری امپراتوری عثمانی با پرچم اسلام/احساس خطر انگلیس/فتنه انگلیسی

«» امپراتوری عثمانی مدعی رهبری دینی جامعه بود و شریعت اسلام را به عنوان قانون اساسی مبتنی بر قرآن و سنت می‌دانست و بر طبق مرام اهل سنت در مسائل مستحدثه از قیاس و اجماع استفاده می‌کردند.

از این رو، عالمان دینی در نظام اداری جامعه عثمانی نقش برجسته‌ای داشته و بر اساس شریعت و قیاس درباره مسائل حقوقی و نظام آموزشی اظهار نظر و دخالت می‌کردند.

«» عثمانیان از میان مذاهب چهارگانه اهل سنت خود را پیرو مکتب حنفی می‌دانستند و شریعت را به مدد قوانین و مقرراتی که سلطان با توجه به روح شریعت وضع می‌کرد، بسط می‌دادند و از عرف و عادت در مواردی که شریعت را بدان دسترسی نداشت یاری می‌جستند.

«» گذشته از شریعت اسلام، عادات و قوانین دشت نشینان اوغوز نیز در مناطقی از سرزمین عثمانی متداول گشته بود. غیرمسلمانان مقیم امپراتوری، بسیاری از مسائل حقوقی، خانوادگی و اجتماعی خویش را به یاری قوانین کلیسایی خود فیصله می‌دادند، گرچه طرفین دعوا حق داشتند به دادگاه‌های اسلامی توسل جویند. اختلافاتی که در میان

مسلمانان و غیرمسلمانان پدیدار می‌گشت به دادگاه‌های اسلامی می‌کشید.

«» نظام آموزشی در امپراتوری عثمانی در دست علما بود. معلمان آموزشگاه‌های ابتدایی (مکتب‌ها)، آموزشگاه‌های شرعی (مدرسه‌ها) و دیگر سازمان‌های آموزشی از میان اینان برگزیده می‌شدند. بر خلاف آموزشگاه‌های ابتدایی یا مکتب‌ها، مدارس متوسطه تنها در شهرهای بزرگ جا داشتند. آموزشگاه‌های ابتدایی و متوسطه، جز آن‌هایی که موقوفه بودند، به مسجد وابسته بودند. شاگردان مکتب‌ها یا آموزشگاه‌های ابتدایی با خط عربی آشنا می‌شدند و قرآن می‌آموختند. طلاب در مدرسه‌ها یا آموزشگاه‌های متوسطه تعلیم می‌دیدند. آموزش در مدرسه متوسطه از ۹ تا ۲۱ سالگی به طول می‌انجامید و برنامه آن شامل زبان عربی، علوم دینی و شریعت بود.

«» صرف نظر از کاستی‌ها و لغزش‌های امپراتوری عثمانی، وجود یک دولت گسترده و قدرتمند، مایه اقتدار و پشتوانه مسلمانان در اقصی نقاط عالم و در شرق و غرب بود. امپراتور عثمانی نیز هم چون ایران از یک موقعیت استراتژیک برخوردار بود و قبل از قرن ۶۱ و پیش از اکتشاف راه دریایی، تمامی کالاهای شرق تنها از راه‌های زمینی به اروپا منتقل می‌شد و اروپاییان از جمله کشورهای پیشتاز در تاریخ استعمار محتاج به این منطقه و راه‌های مواصلاتی میان شرق و غرب بودند و از این رو، از دولت اسلامی عثمانی حساب برده و هراس داشتند.



نظام آموزشی
در امپراتوری
عثمانی در
دست علما
بود. معلمان
آموزشگاه‌های
ابتدایی(مکتب‌ها)،
آموزشگاه‌های
و دیگر سازمان‌های
آموزشی از میان
اینان برگزیده
می‌شدند.



به نظر
سیدجمال، با
شرایطی که بر
جهان اسلام
حاکم بود، تنها
خلافت عثمانی
می‌توانست با
حذف کاستی
هایش محور
اتحاد جهان
اسلام باشد.

انگلیسی‌ها تا قبل از استقلال هندوستان مستقیماً تحت عنوان کمپانی هند شرقی سرنوشت سیاسی و اقتصادی آن‌ها را در اختیار داشتند؛ به دلیل نفوذ معنوی خلافت عثمانی و شیخ الاسلام‌های آن در میان مسلمانان در زمان اقتدار عثمانیان، باید از آنان ملاحظاتی داشته باشند؛ زیرا چه بسا ممکن بود مردم هند با یک فتوا و یا فرمان از خلافت عثمانی، بر علیه سلطه انگلیس دست به شورش بزنند.

مسلمانان هند که تعدادشان بالغ بر هفتاد میلیون نفر می‌گردید، و از نظر جمعیت مهم‌ترین بخش از جهان اسلام را در آن زمان تشکیل می‌دادند، از دیرباز علقه محکمی با خلافت عثمانی داشتند. امپریالیسم انگلیس در واقع از قدرت و نفوذ خلافت عثمانی ناخشنود بود و در سیاست‌های دراز مدت، حذف این قدرت اسلامی را طراحی می‌کرد و در فرصتی که نقاط ضعف نظام عثمانی آشکار گشت و قوای عثمانی هم در صدد ترمیم کاستی‌های نظام خود بودند، با چهره‌سازی آتاتورک، او را مامور کرد تا اصلاحات مورد نظر انگلیس را با حذف دولت عثمانی و ایجاد برنامه‌های ضد اسلامی، جایگزین خلافت نماید و بدین وسیله مشکل تاریخی خود را برای همیشه از سر راه بردارد.

«» سیدجمال برای اتحاد جهان اسلام به نقاط مختلف جهان اسلام از جمله استانبول سفر کرد. او در مجله عروه الوثقی که در پاریس انتشار داده بود مسلمانان را در مقابل سلطه همه جانبه استعمار غربی و در راس آن انگلیس، به وحدت و یکپارچگی با رویکرد اسلام اصیل دعوت می‌کرد. سیدجمال از این طریق تلاش می‌کرد تا جلوی مسلمانان را

گرفته و آنان را از اعتماد به نفس برخوردار سازد. «» به نظر سیدجمال، با شرایطی که بر جهان اسلام حاکم بود، تنها خلافت عثمانی می‌توانست با حذف کاستی‌هایش محور اتحاد جهان اسلام باشد؛ تلاش و کوشش سید جمال و محمد عبده سبب شد که در جهان غرب و در اوایل قرن بیستم بسیاری از ادامه دهندگان خط «بازگشت به اسلام» قد علم کنند. یکی از چهره‌های برجسته آن‌ها رشیدرضا، شاگرد عبده بود. او با این که اندیشه‌های دینی و سیاسی‌اش عاری از اشتباه نبود، به منظور بازگشت به صدر اسلام جنبش سلفیه را پایه‌گذاری کرد و بیش‌تر نظریه‌های سیدجمال و عبده را با عناوین و شکل‌های گوناگون بازگو کرد. رشیدرضا یکی از طرفداران ادامه نهاد خلافت بود و آن را سدی بزرگ سر راه پیشرفت استعمار و غریزدگی می‌دانست. رشیدرضا طرفدار انترناسیونالیسم اسلام و مخالف سرسخت مکتب ناسیونالیسم بود. از این رو، دو گروه با وی به مخالفت برخاستند: اول. روشنفکران فرنگی مآب و دوم ناسیونالیست‌هایی هم چون مصطفی کمال و هواداران حزب وطنی.

«» امپریالیسم انگلیس از دیرباز تصمیم داشت به منظور هموارسازی مقاصد شوم خود اتحاد جهان اسلام بر محوریت خلافت عثمانی را از بین ببرد و با تجزیه کشورهای اسلامی، تسلط بر آن‌ها را برای خود آسان سازد. اوج انحطاط عثمانیان فرصت مناسبی بود تا با حذف خلافت، آتاتورک را به عنوان مصلح بر سر کار آورد تا او نیز در پروژه اصلاحات انگلیسی خویش، عمیقاً دست به دین‌زدایی بزند.





مصطفی کمال، دست پنهان انگلیس‌ها

مصطفی کمال (آتاتورک) که خود از مسلمانان اسمی ضد دین بود ظاهراً برای تبیین احساسات مسلمانان تجددخواه و مجاب نمودن حریف، درست پیش از الغای خلافت، به منظور نامشروع جلوه دادن اصل خلافت چنین اظهار داشت:

« پیامبر ما به اصحاب خویش فرمود که ملل عالم را به اسلام درآورند؛ یعنی به آنان نفرمود که درصدد حکومت بر این ملل برآیند. این اندیشه از ذهن ایشان نیز نگذشته بود. خلافت به معنای حکومت و اداره امور است. خلیفه‌ای که بخواهد نقش خود را ایفا کند و بر همه ملل مسلمان حکم براند خود را ناتوان از این امر می‌یابد. باید اعتراف کنم که اگر در این شرایط مرا به خلافت برمی‌گزیدند، فی‌الغور استعفا می‌دادم. ولی بیایید به تاریخ برگردیم و واقعیات را بررسی کنیم. عرب‌ها خلافتی در بغداد تاسیس کردند و نیز خلافتی در قرطبه. نه ایرانی‌ها، نه افغان‌ها، نه مسلمانان آفریقا، خلیفه قسطنطنیه را به رسمیت نشناختند

◆ مساله یک خلیفه واحد، که قدرت و نظارت عالیه بر همه امت مسلمان اعمال کند، چیزی است که از کتاب‌ها برآمده است، نه از واقعیت. خلیفه هرگز قدرتی را که پاپ بر کاتولیک‌ها دارد نداشته است. دین ما الزامات و نظم و مقرراتش هم‌سان با مسیحیت نیست. انتقاداتی که به اصلاحات اخیر ما می‌کنند (حکومت لائیک غیردینی) ملهم از یک فکر انتزاعی غیرواقعی است؛ یعنی مساله اتحاد اسلام. چنین فکری هرگز به واقعیت درنیامده است.»

آتاتورک و هم‌فکرانش در واقع منکر تشکیل حکومت اسلامی و مخالف اسلام بودند.

”

آتاتورک و هم‌فکرانش در واقع منکر تشکیل حکومت اسلامی و مخالف اسلام بودند.

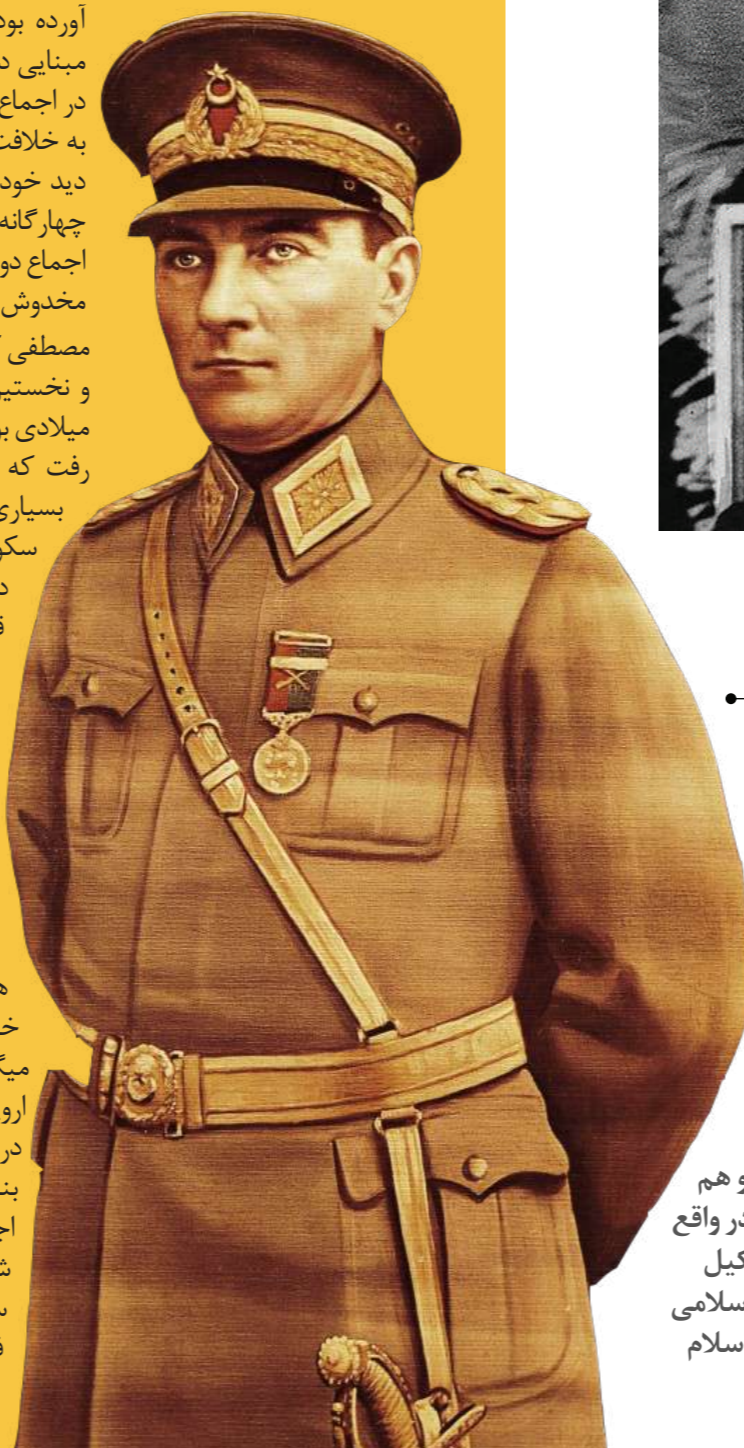
مصطفی کمال تحصیلاتش را در الازهر انجام داده بود و مدتی قاضی محکمه شرع بود. وی که در دانشگاه جدید مصر درس‌های ادبیات نالیفو و فلسفه سانتیلانا را گذرانده و چندی در دانشگاه آکسفورد تحصیلاتی در زمینه حقوق و اقتصاد داشت، با فرهنگ غرب آشنا بود.

او در اثر معروفش به نام «الاسلام و اصول الحکمه» (اسلام و اصول حکومت) استفاده‌ای از پیشینه‌های فقهی و تاریخی نظریات سیاسی سنتی به عمل آورده بود. بحث اصلی او این بود که خلافت نه مبنایی در کتاب (قرآن) نه در سنت (حدیث) و نه در اجماع دارد. وی آیات و احادیثش را که در آن‌ها به خلافت و اطاعت از اولوالامر اشاره شده است، از دید خود توجیه می‌کند و اجماع را تنها در موارد چهارگانه خلافت اولیه اسلام می‌پذیرد و منکر اجماع دوران بعدی است (که البته این نظر از دید ما مخدوش است)

مصطفی کمال آتاتورک بنیان‌گذار جمهوری ترکیه و نخستین رئیس‌جمهوری این کشور در ۱۹۲۳ میلادی بود. وی یک سکولار و ملی‌گرا به شمار می‌رفت که اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری انجام داد تا یک کشور مدرن، پیشرفته و سکولار را که در نظر داشت به وجود آورد.

در واقع آتاتورک ساخته‌های اجتماعی و قدیمی ترکیه را عامل عقب‌ماندگی می‌دانست و صرف نظر از شرایط جامعه کشورش از کشورهای غربی الگوبرداری می‌کرد. در حقیقت از نگاه روشنفکر مآبان، فرآیند غربی‌سازی یکی از مهم‌ترین رویکردهایی بود که برای جبران عقب‌ماندگی و رسیدن به توسعه و پیشرفت در کشورهای توسعه‌نیافته، باید مورد توجه قرار می‌گرفت و بسیاری از همین نخبگان فکری در نخستین مواجهه خود با غرب این رویکرد را در پیش می‌گرفتند. آتاتورک هم برای اصلاحات خود، اروپا را الگو قرار داد و سیاست غربی‌سازی را در پیش گرفت.

بنابراین از نظر آتاتورک، نوسازی، فرآیندی اجتناب‌ناپذیر و البته مطلوب محسوب می‌شد و وی خواهان تبدیل سریع تمام وجوه سنتی به مدرن بود و تغییر در عرصه‌های فرهنگ، دین، آموزش و اقتصاد را با جدیت دنبال می‌کرد.



” در واقع آتاتورک ساخته‌های اجتماعی و قدیمی ترکیه را عامل عقب‌ماندگی می‌دانست و صرف نظر از شرایط جامعه کشورش از کشورهای غربی الگوبرداری می‌کرد.

“

حوزه زنان، تربیت دختر خوانده‌های خود به شمار می‌رفت. در حقیقت او با آموزش آنان به‌روشی که مطابق سیاست‌های حکومت بود و سپس معرفی آن دختران به جامعه تلاش می‌کرد، مردم و به‌طور خاص زنان در رفتارهایشان، آنان را الگوی خود قرار دهند. آتاتورک همچنین مادام باوئر را که زنی سوئسی بود به عنوان مربی دختران خود استخدام کرد. این زن موظف بود، مطابق فرهنگ و آداب اروپایی آنان را تعلیم دهد. دختران آتاتورک لباس‌های غربی می‌پوشیدند و حضور آنان در مراسم و جشن‌های مختلف امری معمول بود.

◆ دیدگاه‌های مصطفی کمال درباره حجاب و به چالش کشیدن مداوم آن در خطابه‌هایش نیز یکی دیگر از اقدامات او در مبحث مربوط به زنان بود. او در خلال سفرهای خود با اشاره به زنانی که صورت خود را از مردان می‌پوشاندند، این عادت را نتیجه خودخواهی مردان و وسواس در پاکدامنی قلمداد کرده بود و سرانجام موفق به تصویب قانونی در همین زمینه شد که زنان را به ترک چادر تشویق می‌کرد.

◆ از دیگر اصلاحات آتاتورک در حوزه زنان می‌توان، لغو تعدد زوجات، اعطای حق طلاق به زنان، امکان ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان، برابری زن و مرد در حقوق از جمله دیه و ارث و حق آزادانه تغییر مذهب را نام برد.



داشت. این نگاشته‌ها، زنان ترک را ترغیب می‌کرد تا در مجالس بزم حضور یابند، در جامعه از معاشرت با مردان نه‌راسند، ورزش کنند و پیاده‌روی را در برنامه روزانه‌شان قرار دهند. این رسانه‌ها به بانوان توصیه می‌کردند به‌جای آن که مانند زنان دیگر کشورها خانه‌نشینی پیشه کنند بهتر است مانند زنان اروپایی و امریکایی زندگی کنند.

برای اشاعه ایدئولوژی آتاتورک، کتاب‌های متعددی با موضوعات زنان به چاپ رسید.

◆ برای مسابقات متعدد زیبایی راهکار دیگری بود که دولت با ترویج آن کوشید تا هرچه بیشتر زنان را وادار کند تا از آرمان‌های عصر عثمانی فاصله بگیرند.

◆ نخستین ملکه زیبایی ترکیه در ۱۹۲۹ میلادی معرفی شد. این روند حتی در حوزه بین‌الملل هم ادامه یافت. همچنین در پی تلاش‌های آتاتورک در ۱۷ فوریه ۱۹۲۶ میلادی و اعطای آزادی‌های فردی و اجتماعی به زنان، مجلس، قانون مدنی جدیدی را مبتنی بر قانون سوئیس تصویب کرد که به موجب آن به طلاق با حق تصمیم‌گیری مرد پایان می‌داد و زنان از حقوق مساوی در ارث برخوردار می‌شدند و همچنین در نتیجه اصلاحات او بود که معلمان زن در مدارس مختلط مشغول به کار شدند و به مشاغلی چون وکالت، طبابت و خدمات عمومی دست یافتند.

◆ یکی دیگر از مهم‌ترین برنامه‌های آتاتورک در

”

دیدگاه‌های مصطفی کمال درباره حجاب و به چالش کشیدن مداوم آن در خطابه‌هایش نیز یکی دیگر از اقدامات او در مبحث مربوط به زنان بود.



حالا به بخشی از اقدامات آتاتورک در چند حوزه اشاره میکنیم:

زنان

◆ دگرگونی موقعیت اجتماعی و سیاسی زنان یکی از مهم‌ترین اهداف اصلاحی آتاتورک و دیگر جمهوری خواهان بود که به عنوان راهکاری در راستای لائسیسم و غربی کردن ترکیه نوین پی‌گیری می‌شد. آنها کوشیدند با تغییراتی در حقوق زنان در خانواده، تصویب قانون لباس و اعطای برخی آزادی‌های سیاسی و فرهنگی، زندگی زنان را دگرگون کنند تا زنان این کشور به اصطلاح، شأن و منزلتی هم پای زنان در جوامع غربی دست یابند و به شیوه‌های مختلف سعی در معرفی و ترویج چهره مطلوب زن در جامعه داشتند.

مثل گماشتن زنان در مناصب سیاسی متعدد که از مهم‌ترین اصلاحات آتاتورک بود.

◆ او در دوران رییس جمهوری خود با انتصاب ۱۷ معاون زن که همه مدافع آرمان‌های جمهوری بودند، تأثیری شگرف در پیشرفت سیاسی زنان داشت.

حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن در سطوح مختلف محلی و ملی از دیگر اقدامات وی بود، در مقایسه با بسیاری دیگر از کشورها مانند فرانسه، ایتالیا و سوئیس، زنان ترک در دستیابی به بخشی از حقوق سیاسی‌شان، یعنی حق رأی پیشرو شدند و در زمان ریاست آتاتورک، زنان پیش از بسیاری از کشورهای غربی، حق برابری مدنی و حقوق سیاسی را به دست آوردند و همچنین در این دوره زنان می‌توانستند، اتحادیه یا انجمن‌های خاص خودشان را هم داشته باشند و با بهره‌مندی از آنها برای دستیابی به حقوقشان تلاش کنند.

◆ دولت آتاتورک تمام تلاش خود را به کار می‌بست که هرچه بیشتر زن ترک از آرمان‌های عصر عثمانی فاصله بگیرد و مانند زن غربی لباس بپوشد، درس بخواند و ناسیونالیست باشد و از لائسیسته حاکم دفاع کند.

از نگاه آتاتورک بانویی با این ویژگی‌ها، مادر وطن است. برای ترویج چنین الگویی رسانه‌های جمعی چون نشریات یا رادیو تأثیر مهمی در تبلیغ این قبیل اندیشه‌های دولت ایفا می‌کردند.

روزنامه‌های ترکیه همواره ستون‌هایی با موضوع زنان

”

دولت آتاتورک تمام تلاش خود را به کار می‌بست که هرچه بیشتر زن ترک از آرمان‌های عصر عثمانی فاصله بگیرد و مانند زن غربی لباس بپوشد، درس بخواند و ناسیونالیست باشد و از لائسیسته حاکم دفاع کند.

مدارس

◆ یکی دیگر از اصلاحات آتاتورک این بود که تحصیلات ابتدایی را رایگان و اجباری ساخت و در سراسر کشور مدارس جدیدی را افتتاح کرد. وی همچنین در ۱۹۲۸ میلادی زبان عثمانی را در مدارس منسوخ خواند و رسم الخط لاتین را جایگزین رسم الخط عربی کرد. آتاتورک همچنین برای بالا بردن خلوص زبان رسمی ترکیه، دستور حذف واژه‌های عربی فارسی و یونانی را از این زبان صادر کرد.

◆ (هر چند اردوغان رییس جمهوری کنونی ترکیه، مخالف این تصمیمات آتاتورک است و دستور داد تا زمینه بازگشت زبان عثمانی و رسم الخط عربی به مدارس ترکیه فراهم شود. به گفته رجب اردوغان، اقدام آتاتورک برای حذف زبان عثمانی شبیه به بریدن رگ گردن ترکیه بود و سبب شد تا این ملت را که روزی سرآمد علم و دانش به شمار می رفت، نبوغ خود را از دست بدهد اما طرفداران آتاتورک معتقدند؛ طرح اردوغان برای بازگرداندن زبان عثمانی و رسم الخط عربی به مدارس گامی در جهت نابودی اصلاحات سکولاری است که آتاتورک در ترکیه ایجاد کرده بود).



سکولاریسم

◆ در واقع در پی تغییرات آتاتورک، ترکیه به روشی اجباری از شکل یک کشور دارای ماهیت اجتماعی اسلامی برپایه خلافت عثمانی، به کشوری سکولار و جمهوری خواه انتقال یافت که در این میان کوشید مخالفان را مجبور به ترک سنت‌ها یا عادت‌های محافظه کارانه کند.

◆ باید گفت اقدامات آتاتورک؛ برای مدرن‌سازی ترکیه، پیامدهای زیادی را برای مردم ترکیه به ویژه از لحاظ اجتماعی و مذهبی به بار آورد.

◆ تغییر خط و لباس و دگرگون کردن ساختار آموزشی از دیگر اقدامات وی در راستای سکولاریسم بود.

البته باید گفت؛ جامعه شهری در دهه‌های اولیه جمهوری، در مقایسه با افرادی که در مناطق روستایی زندگی می‌کردند، خیلی بیشتر تحت تاثیر این اصلاحات قرار گرفتند و هنوز در بعضی از شهرها و روستاها، پایبندی به بسیاری از اصول اخلاقی و دینی، ارزشمند و قابل احترام است و شاید همین دوگانگی هاست که مردم ترکیه را همچنان میان سنت و مدرنیته سرگردان نگه داشته و به وضوح در آثار سربالی آنها نیز قابل مشاهده است.



بین مردم محبوب شده‌اند، اخبار مربوط به سریال‌های روز دنیا در تمام دنیا، به‌خصوص در کشور ما دنبال می‌شود. سریال‌های ترک هم از این قافله عقب نمانده‌اند و هر هفته با پخش فراگمان‌ها و اخبار بازیگران و روند پیشبرد سریال‌هایشان، بعد از سریال‌های هالیوودی و کره‌ای، مقام سوم را بین مخاطبان سریال‌های خارجی در ایران دارند.

فاکتورهای سریال‌های ترک:

شاید واضحترین وجه مشترک این سریال‌ها در مورد مکان وقوع اتفاقات است، که بدون استثنا همه این داستان‌ها در پایتخت ترکیه یعنی استانبول رخ می‌دهد. مخاطب سریال‌های ترکی در این سریال‌ها هیچ اثری از شهرستان‌های ترکیه نمی‌بیند، مگر در حد اشاره‌ای کوتاه که شخصیت یا شخصیت‌های اصلی در همان قسمت اول به شهرشان می‌کنند و البته در همان قسمت‌های اول، این شخصیت‌ها در حال نقل مکان به شهر استانبول هستند. اما به مهمترین ویژگی‌های این سریال‌ها (بدون رعایت اولویت) اشاره می‌کنیم:

- ۱- تبلیغ و ترویج تجمل‌گرایی و سبک زندگی غربی-آمریکایی
- ۲- نمایش و ترویج روابط نامشروع آن هم به بدترین شکل‌های ممکن: زن با چند مرد و مرد با چند زن رابطه دارد
- ۳- قبح‌شکنی و عادی‌سازی داشتن فرزندان نامشروع و تلاش برای پذیرش این مسئله با دست گذاشتن به روی عواطف انسانی و یا زبان طنز و شوخی
- ۴- عادی‌سازی همخونه‌گی دختر و پسر و مثبت جلوه دادن آن (درست به سبک غربیها):
- برای نمونه زندگی خصوصی بازیگران ترک که سوژه داغ رسانه‌ها بوده است (ازدواج فلان بازیگر با دوست پسرش بعد از چندین سال همخونه بودن)
- ۵- ترویج ازدواج سفید (ازدواج بدون عقد)

◆ سازندگان ترک توانسته‌اند سریال‌های خود را به کشورهای زیادی در اروپا و حتی آمریکا فروخته و از این راه تجارت خود را گسترش دهند که در حال حاضر با وجود نت فلیکس، سریال‌های ترکیه‌ای در ۱۹۰ کشور پخش خواهند شد. شبکه «نت فلیکس» یک شرکت جهانی رسانه و تولیدکننده فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی است، که تقریباً توانسته تا به حال بیش از ۷۵ میلیون کاربر در جهان را جذب کند.

◆ چند سالی می‌شود که این شبکه در حال گسترش هر چه بیشتر تولیدی‌هایش به خصوص در کشورهای آسیایی است. هند و حالا ترکیه از جمله این کشورها هستند. هر چند از نظر تخصصی، فیلمنامه، داستان پردازی و... سریال‌های ترک نمی‌توانند حتی به پای سریال‌های درجه دو هالیوودی و اروپایی برسند، ولی در سطح مخاطبان همیشگی خود، توانسته آماربازدید بالایی کسب کند؛ به‌خصوص چون در بیشتر این سریال‌ها تضادهایی بین زندگی مدرن و اروپایی با تفکرات و ارزشهای شرقی وجود دارد، برای مخاطب عام شرقی که خودش با این تضادها مواجه است، جذابیت دارد. سازندگان سریال‌های ترک، چند سالی است برای ردیابی نظر و سلیقه مخاطبان و همچنین برای ادامه ساخت این سریال‌ها، سیستم ریتینگ و نظرسنجی گذاشته‌اند تا اگر به هر دلیلی، مخاطب، آن سریال‌ها را نپسندید، بی‌جهت ادامه‌اش ندهند. به همین خاطر خصوصاً در سال‌های اخیر در دوگانه‌ای جالب دیده شده که سریال‌ها معمولاً یا بالغ بر ۶۰ تا ۸۰ بلکه ۱۰۰ قسمت ساخته شده و یا بعد از ساخت چهار تا ۱۰ قسمت پایان یافته است.

◆ البته در این میان سریال‌هایی هم وجود دارند که چون بیشتر برای مخاطب خارج از ترکیه ساخته می‌شوند از خیلی از ریتینگ‌ها که سلیقه حال مردم ترکیه را نشان می‌دهد، پیروی نمی‌کنند و سازندگان چنین سریال‌هایی سیاست‌های ساخت خودشان را دنبال می‌کنند. در حال حاضر و مخصوصاً با فراگیر شدن پیام‌رسان‌هایی که در چند سال اخیر

”

مخاطب سریال‌های ترکی در این سریال‌ها هیچ اثری از شهرستان‌های ترکیه نمی‌بیند، مگر در حد اشاره‌ای کوتاه که شخصیت یا شخصیت‌های اصلی در همان قسمت اول به شهرشان می‌کنند و البته در همان قسمت‌های اول، این شخصیت‌ها در حال نقل مکان به شهر استانبول هستند.

سریال سازی در ترکیه

از ساخت فیلم و سریال در دنیای غرب، به عنوان یکی از پولسازترین تجارت نام برده می‌شود. در آسیا کشورهایی مثل کره جنوبی و چین و در خاورمیانه هم ترکیه در حال حاضر سردمداران ساخت سریال و فروش آن به کشورهای دیگر جهان هستند.

بیشترین مخاطبان سریال‌های ترکی، عرب‌زبانان و ایرانیان هستند.



۶- ترویج مصرف بی حد و مرز مشروبات الکلی و قبح زدایی از این عمل حرام:

شیشه‌هایی از انواع نوشیدنی‌های الکلی و به وفور و بعضا مانند آب خوردن که همیشه روی میز نهارخوری، پای ثابت ملزومات دیگر نشان داده میشود و میانسالان و پیرمردانی که اهل نماز و روزه بوده و در کل چهره مذهبی و مثبتی دارند اما در زمان سختی، خودشان به میخانه‌ها پناه برده و الکل می نوشند.

۷- غیرت ستیزی و ترویج بی حیایی و بی عفتی به اشکال مختلف:

معمولا مردان غیرتمند در سریال‌ها، مردانی متعصب و حسود معرفی می‌شوند که مورد سرزنش قرار می‌گیرند. در مقابل، نوع دیگری از مردان بنام مردان روشنفکر مدرن هم وجود دارند. اینگونه مردان به روابط همسر خود با دیگر مردان احترام می‌گذارند و نهایت غیرتی شدن آن‌ها به این شکل است که مثلا با چند فحش آبدار و یا مشت و لگد به طرف مرد مدرن دیگر که به همسر یا دوست دخترشان نظر داشته حمله کرده و کار به پاسگاه و شکایت میکشد. جالب اینکه این عکس‌العمل‌های مردان مثلا مدرن (بخوانید بی غیرت) خیلی هم حرکت ستودنی و قهرمانانه و بحقی تلقی و ابراز میشود و تو میمانی که بالاخره غیرتی بودن خوبست یا بد؟!

در مواقعی هم با پوسته‌های فمینیستی، غیرت ستیزی انجام می‌شود. مثلا اگر به رفتار سبک سرانه و بی حیایی زنی اعتراض کنی، به بدترین شکل ممکن تو را متجاوز به حقوق طبیعی یک زن به عنوان انسان معرفی می‌کند که متاسفانه این مورد هم مثال‌های بسیاری در این آثار دارد. و یکی از وجه‌های بی حیایی زنان و بی غیرتی مردان که متاسفانه تقریبا پرتکرار هم هست، نشان دادن صحنه‌های زایمان طبیعی است. صحنه‌ای که ندرتا در فیلم و سریال‌های حتی هالیوودی دیده می‌شود.

۸- خیانت یک اصل جدانشدنی سریال‌های ترک: در اکثر این سریال‌ها دختران و زنانی وجود دارند که جسور و بی‌پروا هستند و مرزهای روابط خانوادگی را نمی‌شناسند و هیچ احترامی به آن نمی‌گذارند. این زنان، اغلب به عشق یا همسر خود خیانت می‌کنند و با مخفی‌کاری آنچه را می‌خواهند به دست می‌آورند.

نقش مردان هم در چنین سریال‌هایی خیلی مثبت‌تر از زنان نیست. اغلب مردان هم یا چشم چران و هرزه‌اند یا ساده‌لوح و بی‌خیال که قربانی خیانت همسران خود می‌شوند.

۹- تجاوز و خشونت نسبت به زنان و دختران:

با وجود ادعایی که در بیشتر سریال‌های ترکی، مبنی بر پیشرفت و مدرن بودن زندگی و تفکرات مردم می‌شود، جالب است سریالی که در آن زنان در سخت‌ترین موقعیت‌ها و تحمل بی‌انصافی‌های مردان اطرافشان زندگی می‌کنند، بسیار طرفدار دارد! با توجه به اینکه در بیشتر کشورها معمولا بیشترین بیننده سریال‌های این چینی زنان و دختران هستند، این انتخاب‌ها به عنوان پرترفدارترین سریال‌های روز، جای بحث دارد؛ مخصوصا که معمولا زنان و دختران بیشتر از سریال‌هایی استقبال می‌کنند که بتوانند با شخصیت‌های آن هم‌ذات‌پنداری کنند، حال اینکه زنان ترکیه چرا باید با شخصیت‌های زن تلویزیونی که اینطور مورد ظلم و تحقیر پدران، شوهران و یا نامزدان خود قرار گرفته‌اند، احساس هم‌ذات‌پنداری کنند، خودش جای سوال دارد... در بیشتر این سریال‌ها ظلم به زنان در طیف‌های مختلف وجود دارد؛ از بی‌وفایی و بی مسئولیتی مردان گرفته تا تجاوز و تحقیر زنان توسط مردان اطرافشان.

در این سریال‌ها معمولا زنان باید خودشان گلیم شان را از آب بیرون بکشند؛ هرچند در این راه بعد از مدتی، همیشه جوانی وارد داستان می‌شود که هیچ شباهتی به پدران و بعضا شوهران و نامزدان سابقشان نداشته اما وجه تنهایی و مشکلات تمام‌نشدنی این زنان نقطه کلیدی در ادامه چنین سریال‌هایی است.

۱۰- تحقیر شخصیت و غرور زنان و دختران:

تقریبا در تمامی سریال‌ها، دختران و زنان بی‌شوهری هستند که با انواع عشو‌ها و رفتارهای سبک سرانه، دم دستی و خجالت‌آور، برای خود به دنبال تور کردن پسران و حتی مردان متأهل و نهایتا ازدواج با آنان هستند.

یا مادرانی که با انواع ترفندها و روش‌های زشت و تحقیرآمیز سعی در قالب کردن دختران خود به پسران خوشتیپ و پولدارند. آنهم برای پسران و مردانی که برای آنان ذره‌ای ارزش قائل نیستند و یا به آنان به دیده ترحم مینگرند یا آنها را تحقیر



میکند

۱۱- حیا زدایی از چهره معصوم و پاک زن و دختر مسلمان با برهنه کردن او در موقعیتهای مختلف و نمایش روابط او با مردان و پسران:

زنانی که از حداقل پوشش برخوردارند (نبود عفت و حجاب اسلامی) و در عین حال مدیریا معمار موفق هستند (و در واقع هرچه

برهنه‌تر، تحصیلکرده و موفق‌تر!).

پوشش‌های برهنه و نیمه برهنه و به شدت محرک دارند (لباس‌های به شدت چسبان و یقه باز، دامنه‌های بسیار کوتاه و نهایتا نمایش زنان در پوشش حداقلی دو تکه‌ای مایو و...) و متاسفانه همین زنان نماد زن طراز برای زنان ترک معرفی و الگوسازی می‌شوند.

یکی از نکات مهم در آثار ترک، نمایش لاغری افراطی زنان و دخترانی ست که شخصیت اول فیلم هستند. زنانی به شدت لاغر با اندامی فلت با کمترین نشانه‌های ظاهری زنانه.

فارغ از بحث مضرات چاقی، در این سریال‌ها، چاقی زن به شدت مورد تمسخر و تحقیر قرار می‌گیرد، به طوری که هر کس که چاق باشد، از نگاه فیلمساز ترک، انگار از دایره انسان بودن هم خارج می‌شود و این زنان گزینه انتخابی مردان برای ازدواج نخواهند بود و اگر هم چنین اتفاقی بیفتد قطعا یک موقعیت کمدی و تحقیرآمیز نمایش داده می‌شود. زنانی که مدام مراقب و نگران رژیم غذایی خود هستند و هیكلی شبیه به پسران نوجوان دارند.

این مسئله یادآور دوره‌ای در کشور‌های غربی به خصوص آمریکاست که با موج تبلیغاتی هیكل هرمافرودایتی همراه بود.

هرمافرودایت موجوداتی با قابلیت‌های جنس مونث و مذکر شناخته می‌شوند. اما نکته مهم، معنی اصطلاحی خود هرمافرودایت است که به انسان‌های خنثی یا دوجنس‌گفته می‌شود. هیكل آن‌ها شبیه به هیكل یک پسر نوجوان است (اندامی فلت و لاغر، صورتی لاغر، استخوانی و بدون مو و موهای سر کوتاه) که اگر فردی با این ویژگی‌ها را در تاریکی ببینیم تشخیص آن که یک زن لاغر یا یک پسر نوجوان است ممکن نیست.

در واقع هدف سیاست پنهان این

تبلیغات، گرفتن هیكل‌های زنانه و مادرانه از زنان و از دست دادن قابلیت فرزندآوری بخاطر داشتن این نوع فرم بدن بود و با گذر زمان مرز بین زن و مرد از بین رفت و نهایتا تمایلات همجنس‌خواهی به وجود آمد.

البته بر اساس تحقیقات ما، در ترکیه تا سال ۵۰۰۲ راهپیمایی‌ای توسط هواداران همجنس‌خواهی به صورت آزادانه انجام میشده که بازتاب رسانه‌ای زیادی هم داشته ولی از همان سال ۵۰۰۲ توسط اردوغان ممنوع اعلام شده است!

یک نکته بسیار مهم در این بخش، که شاید جای تامل بسیار هم داشته باشد اینست که در بازتاب رسانه‌ای اخبار داخلی ترکیه از طرف بعضی افراد اینطور با افتخار مطرح میشد که ترکیه، کشوری هست که در آن در ماه رمضان، پیاده روی افتخار همجنس‌خواهان انجام میشود و این را اوج دموکراسی و آزادی قلمداد میکردند.

شما را دعوت به تفکر می‌کنیم، آیا باتوجه به پیشینه اسلامی ترکیه و فتنه انگلیس‌ها و اصلاحات آتاتورک که تا امروز ادامه داشته، ادامه این روند جای تامل ندارد؟!

(تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل)

۱۲- دلدادگی بی حد به فرهنگ و سبک زندگی غربی-آمریکایی و خود باختگی فرهنگی بسیار با زیر پا گذاشتن فرهنگ بومی و ملی خود (تقبیح و تحقیر فرهنگ و آداب و سبک زندگی ترک با قیاس‌های مکرر با سبک غربی):

زندگی به سبک غربی نماد روشنفکری و مدرن بودن است و هر چه که مربوط به سنت و آداب مرسوم داخلی ست، بی کلاسی، بی فرهنگی و عقب‌ماندگیست.

۱۳- ترویج اسلام آمریکایی و سکولار:

دین فقط در جنبه‌های حداقلی نمود بیرونی دارد مانند مراسم خاکسپاری اموات و بعضی مراسمات و اعیاد مذهبی یا خواستگاری آن هم در حد استفاده کلامی مثل استفاده از واژه‌های الله و پیغمبر.

۱۴- ترویج اباحه‌گری:

زندگی جوانان فقط تفریح و خوشگذرانی است و به مخاطب هم می‌گوید که در لحظه زندگی کن! جوان بودن و جوانی، خود مجوز بسیاری از خلاف‌ها و اعمال منافی عفت است و این

موضوع از زبان میانسالان و پیران در این آثار، نشأت گرفته از زندگی خود آنان در دوران جوانی است.

۱۵- زندگی زناشویی افراد همواره با عدم امنیت و آرامش روانی توأم است:

زنان در هر شرایطی به همسران خود مشکوک هستند و آنها را کنترل میکنند. مدام نگرانند که همسرشان با عرض اندام و نمایش ویژگی های جنسی زنان دیگر، از دستشان رفته و به آنان خیانت کنند.

اینست که به کوچکترین توجهات همسران خود به زنان دیگر به دیده توجیه خاص و چشم چرانی می نگرند و سریعاً برچسب خیانت می زنند که کم هم نیستند زنان خانه خراب کن و هرزه ای که در شکار مردان متاهل هستند و به وفور در این آثار به چشم می خورد.

(بالعکس این شرایط هم دیده می شود یعنی مردانی که نگران از دست دادن زنان خود هستند و...).

البته باید در نظر گرفت که مردانی هم هستند که با داشتن زنی زیبا و زندگی خوب به دنبال چشم چرانی و به دست آوردن زنان دیگر هستند. فرقی نمی کند زن متاهل باشد یا مجرد و دلیل بی اعتمادی زنان به مردان، اپیدمی چشم چرانی است که امری کاملاً عادی بوده و باز هم ثمره همین سبک زندگی و سکولاریزم است.

۱۶- ترویج ردائل اخلاقی و قبح شکنی از آن:

غیبت کردن بی حد و مرز و نظر دادن درباره نوع لباس پوشیدن، اندام، مدل مو، سبک زندگی افراد و ... آنها هم به صورت گروهی، عملی تفریحی نمایش داده میشود که معمولاً هم همراه با شکستن تخمه و نوشیدن چای انجام شده و قبح این عمل حرام را می شکند. فرقی هم نمیکند که ثروتمند یا فقیر و تحصیلکرده یا کم سواد باشی چون در هر حال غیبت به عنوان یک سرگرمی جالب و بی اشکال معرفی میشود.

چشم و هم چشمی، حسادت، تمسخر و ... نمونه های دیگری از ردائل اخلاقی است که به صورت مکرر در بسیاری از سریال ها نشان داده می شود.

۱۷- ترویج دروغ، این گناه بزرگ و انجام این عمل به صورت مکرر:

به طوریکه افراد یک خانواده یا دوستان و همکاران به راحتی برای پنهان کردن یا سرپوش گذاشتن بر کاری دروغ می گویند.

۱۸- ترویج خشونت / هرج و مرج / ناموس کشی (یک آنارشیزم واقعی):

مجازات اعدام در تاریخ معاصر ترکیه از سال ۱۹۲۰ تا ۲۰۰۴ برقرار بود تا اینکه در سال ۲۰۰۴ دولت ترکیه برای تطبیق دادن خود با معیار الحاق به اتحادیه اروپا، مجازات اعدام را بر اساس قانون ملی موسوم به ۵۲۱۸ لغو کرد.

حتی پیش از آن که در سال ۲۰۰۴ حکم اعدام در ترکیه در تمامی جرایم و در همه شرایط اعم از جنگ یا صلح، لغو شود، هیچ حکم اعدامی در ترکیه اجرا نشده بود و به طور مشخص از اکتبر ۱۹۸۴ که مجلس ترکیه تصمیم برای اجرای احکام اعدام را به دادگاه قانون اساسی سپرد، هیچ حکم اعدامی اجرا نشد و همه احکام اعدام قبلی نیز به حبس تبدیل شد.

احتمالاً همین لغو حکم اعدام، زمینه ساز ترویج بیشتر خشونت، آزارهای جنسی زنان و کودکان، ناموس کشی و قتلهای حین نزاع بوده است.

طبق اخبار منتشر شده در داخل ترکیه، جرائمی چون کودک آزاری و تجاوز به زنان بسیار زیاد شده و نگرانی حاصل شده از این وضعیت، حتی در مصاحبه برخی بازیگران این کشور هم به چشم می خورد.

این خلأ قانونی باعث شده که کسی اگر خواهر یا دخترش با پسری دوستی و رابطه ای برقرار کرد، جرأت کند و بتواند بدون در نظر گرفتن قانون و مجازات کیفری، خود به مجازات این فرد بپردازد و یا حتی او را به قتل برساند چون نهایتاً چند سالی حبس میکشد و بعد آزاد میشود که این مسئله در بعضی مواقع حتی سبب ایجاد تهدید جدی برای خانواده مقتول نیز بوده است.

اینجا سوال اینست که ما قسم حضرت عباس را قبول کنیم یا دم خروس را ببینیم؟

در پاسخ به این سوال می توان گفت: با بررسی سابقه فرهنگی و دینی مردم ترکیه و مواجهه با تهاجم فرهنگی غرب و پذیرش سبک زندگی غربی از جانب حکومت و مردم در ترکیه به این درک می



رسیم که این دودستگی یا چنددستگی خیلی عجیب و دور از ذهن نیست.

هنوز هستند افرادی که مقید به رعایت ضوابط پوششی یا اخلاقی هستند و با این سبک زندگی ترویج شده مخالفند و یا جوانانی که در خانواده های سنتی بزرگ شدند اما با سبک زندگی غربی موافق هستند، این نشان دهنده گیر کردن فرهنگ یک جامعه بین فرهنگ بومی خود و فرهنگ غربی است که یک جایی این تناقض ها طغیان کرده و بعضاً در قالب قتلهای ناموسی بیرون می زند.

۱۹- دروغ و تحریف در بعضی آثار تاریخی: سریال های تاریخی ترکی، با وجود تحریف های بسیاری که در تاریخ و روایت خود دارند در یک دهه اخیر توانسته اند بین مخاطبان خود بسیار موفق ظاهر شوند.

نقطه مشترک بیشتر این سریال ها در نوع به تصویر کشیدن روایت شان است. در بیشتر این سریال ها از دولت عثمانی و حتی قبل تر از آن، به عنوان قدرتمندترین دولت منطقه نام برده می شود و هرگز مخاطب از درگیری مستقیم و واقعی و حتی شکست های این پادشاهان چیزی در سریال نمی بیند؛ گویی همین که مخاطب بداند ترکیه زمانی برای خودش قدرتی بوده، حالا به هر شیوه ای، کافی است!

و آخرین نکته و شاید یکی از نکات مهم در این بخش، اینست که بدانیم سریالهای ترک به شدت اعتیاد آور است. یعنی به جهت دارا بودن جذابیت های بصری فوق العاده زیاد و هیجان افراطی با چاشنی عشق خصوصاً پایان بندی های تعلیق وار هر قسمت، بیننده تا رسیدن زمان پخش قسمت بعد، در خماری به سر میبرد. و زیادند افرادی که با دیدن یک سریال ترک شروع کردند ولی با گذشت ماهها، خود را پای ثابت این سریالها می بینند.

نقطه مشترک بیشتر این سریال ها در نوع به تصویر کشیدن روایت شان است. در بیشتر این سریال ها از دولت عثمانی و حتی قبل تر از آن، به عنوان قدرتمند ترین دولت منطقه نام برده می شود

“





کپی‌سازی / فینال سریالها

کپی‌سازی در سریالسازی امری طبیعی شده است.

مانند بسیاری از سریالهای کره‌ای که کپی نمونه آمریکایی‌اش است ولی اینکه سریالی عینا کپی شده و حتی دیالوگها مو به مو ادا شود، دیگر یک توهین واقعیست چراکه علنا شعور مخاطب را نادیده میگیرد.

مثلا سریال کره‌ای دکترها در سال ۲۰۱۰ ساخته و پخش میشود و سال بعدش یعنی ۲۰۱۲ کپی ترکی آن ساخته میشود. سریال تپش قلب که کپی موبه مو و عینی از نمونه

کره‌ای آن است. فیلمساز حتی در نوشتن دیالوگ، انتخاب لوکیشن، قابها و... هم زحمت به خود نداده و همه را مو به مو کپی کرده است. طوری که شما در هنگام تماشای نمونه ترک آن، ازینهمه ساده‌انگاری مخاطب و تلاش حداقلی فیلمساز در ساخت این سریال، حیرت میکنید و احتمالا منزجر میشوید. یا مثلا سریال دکتر معجزه که کپی از سریال آقای دکتر کره‌ای ست و هر دوی اینها کپی از نمونه آمریکایی آن بنام دکتر خوب.

اینکه سریالی عینا کپی شده و حتی دیالوگها مو به مو ادا شود، دیگر یک توهین واقعیست چراکه علنا شعور مخاطب را نادیده میگیرد.

»

ترکیه با رویکرد تجاری، چنان وارد عرصه سریالسازی شده که هیچ منطق و سلیقه‌ای نمیتواند مانع او برای رسیدن به منافع اقتصادی‌اش شود.

بر اساس تحقیقات ما سریالهای ترک هم مانند سریالهای آمریکایی با روش ریتینگ گذاری و بر اساس اقبال عمومی مردمی ترکیه ادامه و یا خاتمه پیدا میکند. مثلا اگر ریتینگ سریالی در چند نوبت به زیر ۲ برسد به احتمال قوی، سریال در هر قسمتی که باشد، فینال خورده و از کنداکتور شبکه خارج میشود.

اما بنظر میرسد این قاعده در مورد همه سریالها اجرا نمی‌شود. مثلا سریالهایی که متعلق به شبکه‌های داخلی ترکیه است، چه بیننده کافی داشته باشد و چه نداشته باشد، پخش آن بدون مشکل انجام میشود و هیچ ربطی به سیستم ریتینگ ندارد.

یا مثلا راجع به سریالهایی که به لحاظ تجاری بسیار پولساز بوده و درآمد خوبی از

تبلیغات کسب کرده‌اند (مانند همین سریال اخیر تو درم را بزن)، بدون توجه به پایین آمدن ریتینگ و حتی فینال خوردن، به فاز تولید فصل بعدی رفته و ادامه می‌یابد حتی اگر برای مخاطب خسته کننده باشد!

پس اینکه بگوییم سلیقه مردم ترکیه فلان سریالهاست آنهم چون ریتینگ بالا دارد و یا فصول بعدی ساخته شده است، خیلی حرف دقیقی نیست. شاید دقیقتر آن باشد که بگوییم ترکیه با رویکرد تجاری، چنان وارد عرصه سریالسازی شده که هیچ منطق و سلیقه‌ای نمیتواند مانع او برای رسیدن به منافع اقتصادی‌اش شود حتی اگر آن مانع، فرهنگ، شخصیت و شعور مخاطبین ترکش باشد.



نمایش خانگی، جسودانگاد آشکار و عریان سریالهای ترک

مشکل جدی تهیه مسکن حتی برای اجاره، مواجه هستند و خلاصه نمایش یک زندگی تماما لاکچری که فرسنگها با زندگی واقعی مردم جامعه فاصله دارد. و موضوعاتی چون خیانت، روابط آزاد دختر و پسر، پوششهای زننده و خلاف عرف و ازدواج سفید که این یعنی همان عمق فاجعه. فاجعه ای که سالهاست در کلام بزرگان، ما نسبت به آن گوشزد میشدیم ولی متاسفانه در سایه غفلت مسئولان فرهنگی و مدیران این حوزه، این تاثیرات ابتدا در برخی آثار سینمایی ما و حالا کم کم در آثار نمایش خانگی به وفور نمود پیدا کرده است.

همانطور که گفته شد، یکی از مخاطبین اصلی سریالهای ترک، ایرانیان هستند و به دلیل تشابه سبک زندگی، آداب و رسوم و فرهنگ کشور ترکیه و ایران و تضادهای فرهنگی بسیاری که این مردمان در رویارویی با تهاجم فرهنگ غرب با آن دست به گریبانند، متاسفانه برای مخاطب عام ایرانی، این تاثیرپذیری بیشتر، عمیقتر و محسوس تر است. یکی از این تاثیرپذیریهای محسوس و بارز، حوزه نمایش خانگی ماست. سریالهایی با المانهای مشترک مثل لباسهای پر زرق و برق، ماشینهای آخرین مدل، دکوراسیون های گرانتقیمت و لوکس، منازل لوکس با مترهای بالا آنها در شرایطی که عموم مردم با

سخن آخر

با توجه به شرایط حساس کشور که سالهاست مورد هجوم انواع تبلیغات رسانه ای و فرهنگی بیگانگان داخلی و خارجی قرار گرفته و این هجمه و حملات در سالهای اخیر، به نهایت رسیده و با توجه به کم کاری بسیار در حوزه فرهنگ که حساسیت این حوزه بارها از سوی مقام معظم رهبری به مسئولین، مدیران و فعالان فرهنگی گوشزد شده است، توقع می رود که در این مسئله مهم، اقدامات و راه حلهای جدی اتخاذ و اجرایی شود.

اگر به موقع به فکر اصلاح این امر مهم و خطیر نیفتیم، جلوی اتفاقات دومینووار این مسائل را سختتر میشود گرفت.